



چگونہ روایت فتح کنیم محتواے تبیین

مجید نقی لو



روایت مقاومت^۹ پیرو نے

سمہ پر علیہ السلام



کتابچه چگونه روایت فتح کنیم؟

چگونگی روایت فاتحانه از
جنگ اخیر ایران و اسرائیل

به قلم: **حجت الاسلام دکتر مجید نقی‌لو**

طراح: زهرا قراخانی

کاری از مدرسه دانشجویی سدید





به یاد شهدا
پیشکش خانواده‌ی شهدا و ملت قهرمان ایران



جهت دریافت
صوت اسکن
کنید





این روزها همه‌ی ما شاهد یک اتفاق جدی در ایران و منطقه هستیم، جنگ نظامی جدی که شروع شده است. این ۱۲ روز تحولات عجیبی را با خودش به همراه داشت و عجیب‌ترین سحر امروز اتفاق افتاد و برای همه غیرمنتظره بود که آتشبس اتفاق افتاد. و برای همه جای سوال بود که چرا این اتفاق افتاد؟ و ترس از داستان صلح تحمیلی، داستان حکمیت و از این دست برنامه‌ها و یا پیاده شدن نسخه‌ی لبنان که بر ایران که بعد از آتشبس حملات بیشتر شد، ترورهایی اتفاق افتاد و داستانی از این قبیل. سوال جدی است که چه اتفاقی افتاد؟ و نتیجه‌ی این اتفاق چه شد؟ ما پیروز شدیم؟ شکست خوردیم؟ چه بلایی سر ما آمد؟ چه بلایی سر آنها آمد؟ آیا روایت فتحی می‌توان از این داستان داشت؟ یا نه انفعال سیاسیون بود که بعضی از گروه‌ها رفتند و دادگی کردند؟ رفتند این صلح تحمیلی را ایجاد کردند؟ داستان چه بود؟





بنده یک روایتی و یک نگاهی را از حاصلی که اتفاق افتاد عرض می‌کنم. همین را به اشتراک می‌گذارم ببینیم چه اتفاقی افتاد. مروری بکنیم از آن اتفاقی که افتاد. اولاً ببینیم دشمن ما که اسرائیل بود برای چه آمده بود؟ اعلام کرده بود که

۱. من حمله می‌کنم که تا بساط داستان هسته‌ای ایران را جمع بکنم؛ که لو دیگر هسته‌ای نداشته باشد، توانایی غنی‌سازی نداشته باشد تا به بمب اتم نرسد.
۲. حمله کردم تا توان موشکی ایران را از بین ببرم و قدرت موشکی منطقه نباشد.
۳. حمله کردم تا ایران را با یک فروپاشی مواجه بکنم.

و این از بین بردن هسته‌ای و از بین بردن موشکی مقدمه‌ای باشد برای یک فروپاشی اجتماعی، مردم معترض به خیابانها بریزند و نظام را ساقط بکنند. و همه‌ی این‌ها ظرف چهار روز قاعداً باید اتفاق بیافتد. با چه سناریویی؟ همان سناریویی که ظاهراً آلمانها بعد از جنگ جهانی اول ابداع کردند که شما با یک شوک بزرگ طرف مقابلت را فلج می‌کنی، راس نظامی و فرماندهانش را می‌زنی، توانش را از بین می‌بری و فلج می‌کنی، فلج که کردی ضربه‌ی نهایی را می‌زنی و او را از بین می‌بری. ظرف چهار روز طبق گفته‌های خودشان این کار قاعداً باید تمام می‌شد. این اهدافش بود.



بخش اول این شد برای چه آمده بود؟

(۲) موشکی را از بین ببرد

(۱) هسته‌ای را از بین ببرد

(۴) نظام ساقط بشود در چهار روز

(۳) فروپاشی اجتماعی ایجاد بکند

با چه ابزاری آمده بود؟ با چه توانی آمده بود؟

اولاً تمام دیتاسنترهای دنیا دستِ اینهاست. تمام داده‌های اطلاعاتی دستِ اینهاست. اینستاگرام هوش دارد، هوش مصنوعی است. شما یک مدت یک چیزی را سرچ می‌کنی بلافاصله در بحث اکسپلورش آن چیزهایی که تو دنبال هستی برایت می‌آورد. مخصوصاً اینکه آن علاقه دارم را بزنی شما یک مدت چیزی را دنبال می‌کنید آن را برای تو می‌آورد. دیتاهای مختلف وقتی ما داریم از بستر رسانه‌ای و استفاده می‌کنیم همه‌ی دیتاهای ما را دارد. ما داریم بازی می‌کنیم و دارد دیتا جمع می‌کند. مثلاً می‌داند که تقریباً تمام سیم‌کش‌های زنجان کجا هستند؟ چه کسانی دنبال کارهای سیم‌کشی بودند؟ چقدر اینها را سرچ کردند دنبال کردند؟ پزشکان زنجان چند نفر هستند؟ کجا هستند؟ مذهبی‌های زنجان چند نفر هستند؟ چند نفر پست‌های مذهبی را لایک می‌کنند؟ این صفحه‌ای که تو داری چقدر پست مذهبی را لایک کرده است؟ موقعیت مکانی‌ات، لوکیشن‌ت هم که مشخص است. دقیقاً آنجایی که گوشی هست موقعیت مکانی تو هم ثبت شده است. خانه‌ات هم مشخص است. تمام دیتاها دستِ لوست. با چه اعتقادی؟ با چه شغلی؟ لاده می‌کنم تمام سیم‌کش‌های زنجان را بزنی همه جایشان را بلدم. لاده می‌کنم تمام انقلابیون زنجان را بزنی، همه جاهايشان را بلدم. همه‌ی دیتاها دستِ لوست. در بستر و زندگی کردیم تمام جستجوهای که کردیم، پیج‌هایی که داریم دنبال می‌کنیم با موقعیت‌های دقیقش، اندازه‌اش، لایک‌هایش همه‌اش دستِ لوست.

با چه آمده بود؟

با یک لایه‌های جدید تکنولوژی آمده بود. جاسوسی یک بخشی است که رهزن است. هوش مصنوعی سرفرصت بشود بحث را باز می‌کنم. می‌گویند لانچر موشک را می‌زد همان لحظه پهپاد بالای سر آن بود. این دیگر بحث جاسوس نیست. شما هر قدر این لانچر موشکی را جابجا می‌کردید، همین که موشک پرتاب می‌شد پهپاد هم آنجا بود. با چه هوش مصنوعی؟ با چه تکنولوژی دارد شما را دنبال می‌کند؟ چه کار دارد می‌کند؟ لیزرهایی که می‌انداخت. شلیک می‌کرد، پهپاد لیزر می‌انداخت دنبال می‌کرد. گلوله‌ی تفنگ نیست که زد شما فرار کنید. روی شما قفل می‌کند، هر جا بروید با شماست. قفل می‌کند روی شما و می‌زند. این معجزه‌ای هم که اتفاق افتاد دیدید که در زنجان حالا از لانچر پایین آمده بود یا آن کیفی که برای پرتاب لازم داشت می‌گفتند اگر آن کیف نبود کلاً این بخش ما نابود بود، عملاً نمی‌توانستیم استفاده کنیم. یکی از بچه‌ها جگر کرد رفت آن را برداشت، روی او بالیزر قفل کرد. دویید دویید گفتیم الان می‌زند، یک دفعه دیدیم نیست. بعد از ۱۲ ساعت رفته بودند دیده بودند یک چوپانی / باغبانی یک چاه ۳-۴ متری کنده بود و دل کرده بود رفته بود، این دویدنی افتاده بود آنجا غش کرده بود. بعد از ۱۲ ساعت رفتند پیدایش کردند. معجزه بود. یک چیزهایی بیان می‌شود که بعداً ان شاء الله مفصلش نقل خواهد شد. این داستان تکنولوژی‌اش، جاسوسی که این در لایه‌های مختلف اجتماعی ایجاد کرده بود که بخشی از کارش بود. ببینید با دوش پرتاب داشت لانچر تورامی زد، با دوش پرتاب داشت پدافند تورامیزد. پدافند طراحی شده است برای اینکه هر چه از بالا آمد بزند. ایستاده است ۱۰۰ متر آن طرف تر دوش پرتاب چیزی شبیه آرپی جی دارد پدافند تورامی‌زند. دیدید دیگر خودش شب اول منتشر کرد. تیم‌های ۲-۳ نفره می‌روند در یک نقطه‌ی مستقر می‌شوند، اطلاعات این پدافندها هم دست‌شان هست با دوش پرتاب یا چیزی شبیه آرپی جی از همان زمین می‌زند.

این تیم‌ها کی شکل گرفته است؟ چطوری شکل گرفته است؟

اینها بعد از شورش زن - زندگی - آزادی... مشکلی که ما در زن - زندگی - آزادی داشتیم این بود تیم‌های اینها رهبر نداشتند. یعنی شما با یک رهبر اجتماعی مخالف نظام مواجه نبودید. سیستم را طوری چیده بود که در زنجان یک تیم ۵ نفره خودش عمل می‌کرد؛ نه کاری به تهران داشت، نه کاری به خارج داشت خودش عملیات انجام می‌داد. یکدفعه ۱۰۰ تیم ۵ نفره در زنجان دارد کار می‌کند به هیچجا هم وصل نیست شما می‌خواهید با این چه کار کنید؟ همین در یک شهر دیگر دارد کار می‌کند به هیچجا هم وصل نیست. برده است در لایه‌های اجتماعی مویرگی پخش کرده است. وقتی یک تیم است، یک گروهان است، یک لشکر است می‌زنید لایه‌های مختلف تمام. این به هیچجا وصل نیست. یک نفر نیست، دو نفر نیست، یکی نیست، دو تا نیست. چهارمی: اشراف به نقاط ضعف ما. اینها را باید بدانیم، او می‌داند ما هم بدانیم. ما پدافند غیرعامل مان را عملیاتی نکردیم. همان طور که می‌گوییم آقا جان با چند تا موشک، دو تا بندرش سه تا نیروگاه برقش، فلاتش را بزنیم فلج می‌شود. وضعیت آب زنجان شما چطور است؟ وضعیت برق زنجان شما چطور است؟ با یک پهباد دکل شبکه اشراق شما را بزند شبکه اشراق قطع است دیگر دسترسی رسانه‌ای به مردم ندارد. با چند حمله مخابرات شما را بزند. برق شما را بزند، تلویزیون شما را بزند، آب شما را هم قطع کند، یک انبار غله هم داریم آن را هم بزند. تمهیدی شده است؟ حالا تازه شروع می‌کردند که مساجد این پنل‌های خورشیدی را بزنند که اگر برق شهر قطع شد ما در مساجد و مدارس برق داشته باشیم مردم آنجا ساکن شوند. اصلاً تمهید دوران جنگ، تمهید زیرساختی، پدافند غیرعامل یعنی این. چقدر این دیده شده است؟ خود زنجان در این راستا چقدر آسیب پذیر است؟

برای چه آمده بود؟



حذف موشکی، حذف هسته‌ای، فروپاشی اجتماعی، سقوط نظام در چهار روز.

با چه آمده بود؟

اینهایی که عرض کردم. بادیتاسنترها و تمام موقعیت‌ها، هوش مصنوعی با آن توان تکنولوژی‌اش، جاسوسی در لایه‌های مختلف، اشراف به نقاط ضعف. آن جنگ با این اهداف، با این ابزار علیه ما شروع کرده است. این جنگ نظمی امروز را عملیاتی کرد.

حالا ما با چه به جنگ اورفتیم؟

۱. ما با لایه و لبه تکنولوژی موشکی به جنگ اورفتیم که او اینجا قفل است و ضعف دارد. ما با لایه‌ی موشکی به سراغ اورفتیم که با او قوی‌ترین و گران‌ترین و دقیق‌ترین موشک‌های ردیاب و پدافندش توان ردگیری موشک‌های ما را نداشت. ما در داستان موشکی به یک تکنولوژی رسیدیم که هیچ‌احدی در دنیا این را ندارد. پدافند این را ندارد و نمی‌تواند موشک‌های خاص شما را ردگیری بکند. بلکه موجی از پهپادها را می‌فرستی، بعضی از موشک‌های بالستیک پایین را می‌فرستی و او را درگیر می‌کنی موشک‌های خودت فرود می‌آید. دیگر قوی‌ترین پدافندهای دنیا آنجا مستقر بودند نتوانستند.
۲. توان سایبری که نیروهای ایرانی دارند جزء رده‌های اول سایبری دنیا است. حالا این که قوی‌ترین پدافندهای آنها چطوری خودزنی می‌کردند، چطوری نمی‌توانستند ردیابی بکنند بخشی از آن به خاطر حمله سایبری بود و بخشی به خاطر نوع موشکی بود که استفاده می‌شد و اساساً پدافند را از بین می‌برد. نه اینکه خودش را بزند مختل می‌کند. و شما می‌دیدید گاهی آذیرهای خطر به صدا درمی‌آمد هیچ موشکی شلیک نشده است، روان‌شان را به هم می‌ریخت. جنگ سایبری بود. دوربین‌هایشان را شما حک می‌کردید، دائماً رصدشان می‌کردید. کلیپ آمد اخبار هم پخش کرد - در این فضا خیلی از کلیپ‌ها را نمی‌شود بلور کرد - که در آذیر هشدار بمباران‌شان حیدر حیدر یا صهیون پخش می‌شود.





۳. ما گسترده‌ترین و قوی‌ترین نیروی زمینی تقریباً دنیا را داریم. که در جنگ زمینی با توجه به تجربه جنگ ۸ ساله نیروی زمینی ما تقریباً نیرویی است که حریف ندارد.

۴. اشراف اطلاعاتی که ما داشتیم مخصوصاً در آن رکبی که وزارت اطلاعات زد و آن حجم عظیم را آورد. یکی از دلیل‌هایی که می‌گویند این حمله قطعاً اتفاق می‌افتاد اما مال بعد بود. یکی از دلیل‌هایی که می‌گویند به این سرعت اینها شروع کردند این داده‌ها بود. چون اگر آن داده‌ها باز می‌شدند، شبکه‌ی اینها لو می‌رفت دیگر این عملیات را نمی‌توانستند انجام بدهند. این همه لایه اطلاعاتی جمع کرده بود همه‌اش می‌سوخت از بین می‌رفت.

۵. پشتوانه قوی مردمی. خدووند به ما یک نعمت عجیبی داد. همه‌ی مردم یکدفعه آمدند پشت سر انقلاب و ایران ایستادند؛ از حوزوی و انقلابی بگیر تا شهرام شب‌پره خواننده آمریکانشین، معین خواننده آمریکانشین، کروی فتنه‌گر آمد بیانیه داد حمایت کرد، زهرا رهنورد زن میرحسین بیانیه داد حمایت کرد. دستگیر شده‌های فتنه ۱۴۰۱ زن - زندگی - آزادی آمدند پرچم ایران گرفتند. عجیب نیست؟! می‌دیدید کلیپ‌های خانم‌های بدحجاب را چطوری داشتند در مورد آقا حرف می‌زدند؟! یک معجزه‌ی عجیبی اتفاق افتاد. ایران تا الان چنین همبستگی را ظاهراً حتی در دفاع مقدس هم تجربه نکرده بود. لایه‌های مختلف اجتماعی با نگاه‌ها و سلايق مختلف بیایند بایستند. یک کمپین راه بیافتد که ما از تو معذرت می‌خواهیم حضرت آقا. شما می‌گفتی ما در غزه و لبنان و سوریه می‌جنگیم تا در خیابان‌های تهران نجنگیم نمی‌فهمیدیم یعنی چه؟! بلور نمی‌کردیم الان فهمیدیم یعنی چه. تو می‌گفتی ما قدرت موشکی داریم که اینها توان پاسخ دادنش را ندارند بلور نمی‌کردیم. الان که خرابه‌های تل‌آویو را می‌بینیم می‌فهمیم تو چه می‌گویی.





یک همبستگی عجیب اجتماعی اتفاق افتاد. فروشگاه‌ها غارت نشد. متانت مردم ایران را دیدید. حالا یک اتفاقاتی این طرف و آن طرف می افتد بماند. وضعیت اقتصادی فشلی که داریم بماند. اما شما مردم را دیدید چطوری ایستادند. در مواجهه با پدافند آنها چطوری به پناهگاه فرار می کنند، مردم ما همه پشت بام میروند انگار دارند تفریح می کنند. یک پشتوانه عجیب مردمی اتفاق افتاد. ما با یک جنگ نامتقارن مواجه هستیم و چیزهایی دارد که ما نداریم، ما هم چیزهایی داریم که ندارند. اساساً داشته‌های ما را نمی فهمد. اینکه علی نژاد که همیشه کمپین بی حجابی زن‌ها را راه می انداخت ناراحت شد برگشت گفت حمله اسرائیل پروژه براندازی را ۲۰ سال عقب انداخت. او می فهمد چه اتفاقی افتاد. می گفت من این همه دویدم این دختران نوجوان بدحجاب را از این انقلاب جدا کنم علیه اینها به کار ببرم. این با حمله همه را برگرداند، زحمت ۲۰ ساله ما را بر باد داد. رحمت خدا بر سردار شهید سلامی که همان سال ۴۰۱ گفت با همین جوان‌هایی که الان علیه انقلاب به خیابان آوردید، با همین‌ها به جنگ شما خواهیم آمد. اما ما به او خندیدیم چه داری می گویی؟! رحمت خدا بر سردار شهید سلامی ما به او می خندیدیم. قدرت ایمانی و اعتقادی مردم؛ ما غدير داریم بدبخت هستند بدترین موقع را انتخاب کردند. ما محرم را داریم خون مردم را به جوش می آورد. مگر می شود از این پشتوانه اعتقادی گذشت. و اصلاً این را نمی فهمد در این جنگ نامتقارن. نمی فهمد قدرت محرم داشتن و مراسمات محرم در این جنگ یعنی چه. نمیداند راهپیمایی غدیر را زیر بمباران دشمن برگزار کردن یعنی چه؟ این قدرتی است که ما داریم. نیروهای مقاوم؛ ما از نیروهای مقاومتی بهره‌مند هستیم. یک ارتش بین‌المللی که ما الان با آن مواجه هستیم. حزب الله لبنان، یمن، حزب الله عراق، زینبیون، فاطمیون یک لشکری آملاهی دست به ماشه. هم پیمانان بین‌المللی داریم؛ روسیه را داریم، چین را داریم، کره شمالی را داریم. اینها هیچکدام برادر ما نیستند.





امیرالمومنین (ع) یک روایت عجیبی دارد می گوید دشمن دشمن تو دوستِ دوست.

هر کسی با دشمن تو دشمن است رفیقِ دوستِ با او با هم باشید که دشمنِ تان را بزنید.

ما با او منافع مشترک داریم، دشمن مشترک داریم. هم با چین، هم با روسیه، هم با کره شمالی. برادر ما که نیستند اما هم پیمان ما هستند. موقعیت‌های استراتژیکی ما داریم؛ تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب. ایران با این داشته‌ها که از خیلی از اینها در این جنگ استفاده نکرد؛ از جبهه مقاومتش استفاده نکرد، از هم‌پیمانان جهانی‌اش چین و روسیه و کره شمالی استفاده نکرد، ورق باب‌المندب و تنگه هرمزش را خرج نکرد، نیروی زمینی‌اش را خرج نکرد. خیلی از داشته‌هایش را به میدان نیاورد. رفت به جنگ دشمنی که شمردم چه‌ها داشت. چه به دست آورد؟ هسته‌ای‌اش سر جای خودش، موشکی‌اش سر جای خودش. آمده بود فروپاشی اجتماعی راه بیندازد، برعکس زحمت ۳۰ ساله‌ی انشقاق اجتماعی‌اش تبدیل شد به یک انسجام اجتماعی. آنهایی که می‌گویند سال ۱۴۰۱ ما ایستگاه بازرسی می‌ایستادیم هر کسی می‌آمد فحش می‌داد، الان می‌ایستادیم هر کسی می‌آمد دعا می‌کرد. یکی در ماشینش تخمه داشت میداد، لویز آباد. چند تا ضدهوایی شنیده بود ترسیده بود، فهمیده بود امنیت یعنی چه؟ ورق برگشته بود.

هسته‌ای را از دست ندادیم، موشکی را از دست ندادیم. به خاطر اینها آمده بود. فروپاشی اجتماعی می‌خواست ایجاد بکند، انسجام اجتماعی ایجاد شد. نظام‌رامی خواست ساقط کند، نظام تثبیت شد. اینها می‌خواستند فلج بشود در چهار روز ساقط کنند. نه آن این شد که بعد از ۱۲ روز خودشان آمدند گفتند تملش کنید. مگر او نمی‌گفت وقتی که آمد فرود رازد - فرود خالی رازد، ۵۰۰ متر هم زیر زمین است، هیچ بمبی هم آنجا اثرگذار نیست - روی چندتا کوه زد و چندتا ورودی و ساختمان روبنایی رازد گفت زدم.

همه هم میدانستند. این رازد که بگذر - من ولوم - ما در لوج خدا حافظی کنیم شما هم در لوج خدا حافظی کن.



همه می دانستند فردو حمله نبود. خودش هم می دانست فردو خالی بود. ۵۰۰ متر هم زیر زمین است هیچ بمب سنگرشکنی آنجا نمی تواند نفوذ بکند. عقلش را داشته است، فکرش را کرده است خلیاش کرده است. حتی خودشان عکس های ماهواره ای اش را هم درآوردند. کلمیونهایی که در این مدت های قبل از آنجا خارج شدند همه بلرهایشان را زدند بردند. اینها را که خالی زده بود گفته بود بزنی بدترش را می زنیم زدیم. چه کار کرد؟ قطر امروز گفت آمریکا به من گفت برو بگو تملش بکنند؛ وزیر خارجه قطر امروز گفت. با آن ادوات آمد، با آن قدرت آمد، با آن اهداف آمد، به هیچ کدام از اهدافش نرسید خودش قدم پیش گذاشت گفت تملش بکنید. خودش آمد جلو گفت تملش بکنید. شما تا اینجا کلی کار پیروز هستید یا نیستید؟ دستان را بردید یا نبردید؟ از خیلی از ورق ها و نیروهایتان استفاده نکردید. خیلی از قدرت هایی که داشت شما نداشتید، از آن دیتا سنتر های وحشتناک، از آن هوش مصنوعی عجیبی که الان به میدان آورده است، از آن تکنولوژی هرمس، پهپاد هرمس و F۳۵ آن. شما در مقابل تکنولوژی و F۳۵ را آوردید پایین، هرمس را آوردید پایین. شبه بودن اینها از بین رفت. در این دستان شما پیروز هستید یا نیستید؟ اما چند تا حرف آنجا می ماند. چرا این جنگ را تمام نکردید؟ ویر قوتاردا. پشتوانه ای مردمی داریم. خودشان مهلت به تو داده است، خودش آمده است زده است می توانی بزنی. بعد تو الان این را زنی آتش بس کنی دستان لبنان پیش نیاید؟ آتشبس بکنی دو روز بعد بیاید ترور بکند، فالن بکند، بهمان بکند. چرا این کار را کردی؟ اصلاً مگر این جنگ آخرین جنگ است؟ مگر می تواند نبرد آخر باشد؟ حذف اسرائیل یعنی چه؟ شما کل اسرائیل را شخم زدید اسرائیل حذف می شود؟ مگر نظام سیاسی را می شود حذف کرد؟ دوباره می آورند می سازند، ساختمان است دیگر. تکنولوژی اش هم که اینجا نیست. این نماینده نظام سلطه است که آن طرف است دوباره می آورد می سازد. مگر یک نظام سیاسی را اینطوری میشود حذف کرد؟ ما جنگی را شروع نکردیم آنها قبلتر یک جنگی را شروع کردند انقلاب اسلامی بنا شد که از هویت ایرانی - اسلامی دفاع بکند.



این جنگ را ما شروع نکردیم آنها شروع کردند دریم دفاع می کنیم. نبرد آخر نیست اولاً. اساساً این جنگ پایان یافتنی نیست. مثلاً یکجور باشینی دو گونه، خیالت راحت (یکجور سرش را گره بزن آسوده خاطر باش). مگر ممکن است؟ جنگ جنگ وجودی است می گوید یا من یا تو. تو مگر جنگ وجودی را یکجا می توانی مهر خاتمه بزنی نتواند تورا بزند؟ ممکن است؟ جنگ جنگ وجودی است اینجا، تمام شدن جنگ بی معنی است. پایان جنگ بی معنی است. جنگ وقتی تمام می شود که تو نباشی یا من نباشم. حالا چرا آتش بس اتفاق افتاد؟ شما ببینید یک واقعه‌هایی را بنده اول جلسه عرض کردم ما احتیاج داریم اینها را الان ترمیم کنیم یا نه؟ من الان باید بروم ببینم از کجا درم می خورم یا نه؟ می گویند ابا عبدالله الحسین (ع) که داشت می جنگید، ذوالجناح دور میچرخید بعضی جاها را کنل میزد راه نفس برای ابا عبدالله الحسین (ع) باز میکرد. قوای تو باید راه نفس برایشان باشد. بگویی من این تکنولوژی را می خواهم چکار بکنم؟ این لایه‌های اجتماعی که الان درد... درد با دوش پرتاب پدافند من را می زند، این لایه‌های اجتماعی باید فرصت پیدا بکنند اینها را پیدا بکنند. تبریز خوابیده است. یک تحلیلی بود تبریز را آنطوری زد که از آذربایجان نیروی زمینی پایین بیورد. حالا یک دلاهمایی هم آورده بودند که این تحلیل را تأیید می کرد. من نمی گویم این تحلیل ۱۰۰ درصد است. آذربایجان پدافندش خوابید. ۵۲ شهید دلاند همان روزهای اول. ۵۰ نفرشان نظامی بودند. تبریز خوابید، بعضی از جاها خوابید، باید فرصت ترمیم داشته باشد یا نه؟ فارغ از اینها اینکه این فرصت بازایی به خودش میدهد، و آن دلاهمارا به دست می‌آورد که موشکی اش را حفظ می کند، هسته‌هایش را حفظ میکند. به جای فروپاشی اجتماعی انسجام اجتماعی ایجاد می کند. آسیب‌های جدی خودشان گفتند فقط یکسوم تل آویو از بین رفته است. بخش برق‌شان، بخش پالایشگاه‌شان، بخش بندرشان، آن آزمایشگاه و دانشگاه عظیمی که بایک یا دو موشک زدند و آن تخریب عظیم را ایجاد کردند. چند پناهگاه را زد تخریب کرد. و این هیمنه که اسرائیل امن ترین جای دنیاست با این شعلر یهودیهارا آنجا جمع کردند.





ما مقتدرترین جای ارتش دنیا هستیم. اسرائیل امن ترین جای دنیاست. از بین رفت.
می دیدید دعا‌های طفلان غزه را، که بایک التماسی وقتی موشک‌ها را می دیدند «اللهم
سدد رمیهم» خدایا این تیرهایشان به هدف بخورد. می دیدید خنده‌های از ته دل
مظلومان غزه را، عراق را، لبنان را؟ می دیدید چه حسی داشتند؟ تو با این داشته‌هایت و
استفاده نکردن از خیلی از داشته‌هایت، او را به یک جایی رساندی که خودش بیاید بگوید
تملمش کن. و این جنگ عرض کردم تمام‌شدنی نیست جنگ وجودی را مگر می‌شود
تمام کرد؟ اما با توجه به آن داشته‌های او و نداشته‌های او و نداشته‌های ما
یک فرصت ترمیم ما لازم داریم. جنگ تا وقتی ادامه دارد که یک طرف از بین برود. جنگ
را مگر می‌شود تمام کرد؟ خواهش می‌کنم به این قوای نظامی اعتماد نکنید. بلور کنید
مملکت صاحب دارد. نه ما اهل کوفه هستیم با این مردم. نه جنگ جنگ صفین
است. نه رهبر ما علی (ع) است در موقعیت او. نه داستان، داستان حکمیت است. نه این
دولت دولت قبل است، چرا داریم صحنه را اینطور روایت می‌کنیم؟ فتح به این روشنی را
داریم شکست مطلق تعریف می‌کنیم. انگار که مملکت بله بی‌صاحب اولوب، مملکت
هیچ صاحبی ندارد و چند نفر سیاسیون بالا نشستند بردند بافتند تمام کردند، مملکت را
به فنا دادند تمام شد رفت. سپاه دست‌بسته همین طوری مظلومانه ایستاده است اینها را
نگاه میکند. حالا بعضیها می‌روند سپاه را می‌زنند دیگر هیچ. شهید را او دارد می‌دهد، اوست
که زیر پدافند نشسته است، اوست که فرماندهانش را داده است، من تنها لطفی که در این
جنگ می‌کنم ایتا را چک می‌کنم یقه‌ی او را گرفتم چرا نزدی. عجباً؟! شهید را او
می‌دهد، فرمانده را او می‌دهد، زیر پدافند او می‌رود چندین شب است اینها زندگی ندارند.
خانواده‌هایشان می‌دانید چطوری می‌خوابند بلند می‌شوند؟ خیلی از شما خانواده‌های
نیروی هوا و فضا و پاسدار ندارید. اینها همه از خانه‌هایشان جابجا نشدند این ایام؟ آواره
نبودند این ایام؟ بعد تو می‌روی یقه او را می‌گیری که تو چه کردی؟!





پیامبر(ص) داشت در حدیبیه صلح می کرد اینها پا شدند بدون سلاح نظامی رفتند مکه زیارت. پیامبر(ص) گفت: جنگ نمی رویم با سلاح مسافر می رویم. داستان به نقطه ای رسید که صلح بشود. اینها با روحیه ی شهادت رفته بودند که میرویم یا زیارت یا شهادت. همه هم میدانستند اینها برنمیگردند «لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا» اینها برنمی گردند. بدون سلاح جنگی بلند شوی رفتی مکه تلومارت میکنند. با این روحیه رفتند یا شهادت یا زیارت. پیامبر گفت: صلح صلح بنویس بسم الله الرحمن الرحيم. گفت: من بسم الله الرحمن الرحيم را قبول ندارم پاک کن. پیامبر گفت: پاک کن؛ این صلح بین محمد رسول خدا و سهیل بن عمرو منعقد می شود. گفت: من اگر تو را رسول خدامی دانستم که با تو جنگ نمی کردم، محمد بن عبدالله. پیامبر گفت: بنویس محمد بن عبدالله. آقا هر کس از مکه مسلمان شد آمد مدینه، تو باید به ما برگردانی. اما هر کس از مدینه فرار کرد مکه ما به تو برنمی گردانیم. گفت: اشکالی ندارد. امسال برمیگردید زیارت نمیکنید سال بعد می آید. گفت: اشکالی ندارد. قربانی هارا همینجا می برید، سرتان را همین جامی تراشید. گفت: اشکالی ندارد برمی گردیم. آمدند یقه پیامبر(ص) را گرفتند، خلیفه دوم هم خیلی جلو و ولز میکرد تو ما را ذلیل کردی، تو ما را بیچاره کردی ما آمده بودیم برای زیارت یا شهادت چه کردی؟! یکجا دزد پیامبر(ص) بقیه ی این را گرفت در احد کی فرار کرد؟ کی ایستاد؟ مگر در احد همه فرار نکردید؟! من تنهایی با علی و یک خانم و ۷-۶ نفر نایستادم؟ در احد من بودم که ایستادم، شما بودید که فرار کردید. بعد تو به من میگویی تو داری من را کوچک و خوار میکنی؟! دقیقاً همین بحثی که ما الان داریم به فرماندهان میزنیم. من دارم می جنگم، من دارم شهید می دهم بعد توی ایتاگرد داری یقه ی من را می گیری که تو نظام اسلامی را برباد داری؟! خیلی ناراحت بودند. همانجا پیامبر(ص) قربانی اش را سربريد، سرش را تراشید. گفت: همینجا تمام میکنیم، ۲۰ کیلومتر مانده به مکه حدیبیه است؛ همه ناراحت. همین حالی که ما داریم. ما صلح نکردیم. نزدیک مدینه سوره نازل شد.



«بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا لك فتحا مبينا»

ما به تو فتح مبین دادیم چرا نمیبینی؟ فتح مبین یعنی فتح روشن چشمه‌ایت را باز کنی می‌بینی. نظام مساحتی‌ات را عوض کن فتح مبین را ببین. فتح مبین یعنی سال ۶ هجری است ۱۹ سال است با کفار جنگیدند جمعاً نفراتشان ۱۴۰۰ نفر است. بعد از دو سال سال ۸ هجری با ۱۰.۰۰۰ نفر مکه را بدون جنگ فتح کردند. حالا فهمیدید فتح مبین یعنی چه؟ حالا فهمیدی برای اینکه مکه را با ۱۰.۰۰۰ نفر فتح کنی چه صبرهایی باید داشته باشی؟ چه استراتژی‌هایی باید داشته باشی؟ فتح مبینت را ببین. عزیزان دشمن جنگ نظامی کرد، موشک‌های نظامی‌اش را ریخت و خواهد ریخت. جنگ تمام نشده است شاید ۱ سال، ۲ سال، ۱ ماه، ۱ هفته، ۲ روز نمی‌دانیم اما این جنگ بالاخره تمام خواهد شد. آتش بس است به معنی توقف آتش. ما مسئله‌مان حل نشده است. این توقف آتش نظامی نمی‌دانیم چقدر طول می‌کشد اما قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد. نکته مهم اینجاست که نیروهای نظامی ما از این آتش نظامی سربلند درآمدند. پدافندش را گذاشت جانانه پای این پدافند نشست جانفشانی کرد. پدافند موشک‌های جنگ تبلیغاتی ما در این شهر کجاست؟ زیر بمباران جنگ تبلیغاتی اینها دارند شکست قطعی را به پیروزی قطعی برای خودشان تبدیل می‌کنند. دارند تاب‌آوری ملت را از آن می‌گیرند. دارند روحیه ملت را از ملت می‌گیرند نتواند تاب‌آوری بکند. پدافندهای جنگ شناختی در این شهر کجا هستند؟ محرم است محرم امسال محرم جنگ است. هر هیئت باید پدافندی باشد برای جنگ تبلیغاتی این کفر. هر روضه خانگی باید پدافندی باشد برای این جنگ شناختی و جنگ تبلیغاتی. این نباشد معلوم نیست چه ضربه‌هایی می‌خواهیم بخوریم و پیروزی نهایی چقدر عقب بیافتد. در پیام دومش ولی جامعه نگفت تبیین را جدی بگیرید؟ وسط جنگ می‌گویند آنهايي که کار تبیینی میکنند کارشان را اول نکنند. ما از پدافند نظامی مان مطمئن هستیم اینجاست که داریم می‌خوریم.



هنوز هیئت من می گوید به من چه؟ بله به تو چه. حسین تو کجا شهید شد؟ یزیدی که حسین (ع) در مقابل او شهید شد چه داشت؟ چقدر ظلم کرده بود؟ چند نفر کشته بود؟ این جورثومه فسادى که در مقابل اوست چند نفر را کشته است؟ یزید انگشت کوچک او می شود؟ توی گریه کن اباعبدالله الحسین (ع)، حسین (ع) در مقابل یزید آنطوری ایستاد. یزیدی که انگشت کوچک فرعون / این طاغوت هم نمیشود. تو می خواهی در برابر این چکلر کنی؟ هر هیئت ما باید یک پدافند باشد در جنگ شناختی. ذهن مردم باید روشن بشود. سوالات مردم باید پاسخ داده بشود. روحیه مردم باید حفظ بشود. نمی دانم دیدید آن کلمیونی که در خیابان های تل آویو پرچم گذاشته بود، صوت پخش می کرد که روحیه مردم شهر را حفظ بکند. شما فرقی نمی کند کدام طرف ایستاده باشید، روحیه مردم تو اصل توست. اگر مردم روحیه شان را باختند و اسلحه هایشان را زمین گذاشتند او دیگر نیازی به انداختن موشک ندارد. روحیه مردم را چه کسی می خواهد حفظ بکند؟ ما در این جنگ به ایستادگی و تابآوری احتیاج داریم. اگر این جنگ ۲-۱ سال طول کشید، تابآوری مردم از بین رفت شکست و پیروزی چطوری می خواهد رقم بخورد؟ مردم نتوانستند بایستند چه کار می خواهید بکنید؟ اینجا است که می گوئیم هر هیئت باید یک پدافند باشد. آرام بکند، خانواده ها ترسیده اند. نسل جدید صدای موشک و پدافند و آژیر نشنیده بود. صدای پدافند و ضد هوایی شنید. نشنیده بود، شنید و ترسید. ترس را در خانواده تان دیدید، در زن و بچه هایتان دیدید. مخصوصاً آنهایی که قسمت غربی شهر زندگی میکردند. شنیدند، دیدند. چه کسی باید ترس مردم را مدیریت بکند؟ چه کسی باید حال این مردم را مدیریت بکند؟ هیئتهای ما در این محرم مثل سال قبل باشند ما این جنگ را باختیم. حق نداریم مثل سال قبل ما محرم برگزار کنیم. ابزار دست ماست. باید حال مردم، روان مردم، ذهن مردم را در برابر موشکهای جنگ شناختی ما ایمن کنیم.





بہیاد شہدا
ہمبہا ہم پیکدل
برائے ایرانِ قوی



